

درس سوم

دین پژوه گرامی در این درس با این مطالب آشنا خواهید شد

- ابتدال فرهنگی در سینما
- سبک‌های فیلم سازی
- اهداف سیاسی فیلم‌های ضد ایران
- آسیب‌های سینمای ایران و جهان
- تقلید؛ آسیب بزرگ سینمای ایران
- موسیقی گرایبی و ابتدال فرهنگی
- دو رکن اساسی در موسیقی
- موسیقی در میان بزرگان ایران
- موسیقی مدرن؛ جایگزین موسیقی کلاسیک در غرب
- موسیقی در نظر فقهاء
- تعریف غنا
- موسیقی مدرن منشأ شهوت، غضب و ناامیدی
- موسیقی معتدل و حلال
- موسیقی؛ ابزاری برای عقل ستیزی

بحث در مورد جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها بود. گفته شد می‌توان تمام جریان‌های ضد فرهنگ را به سه دسته ابتدال فرهنگی، ابتدال فرقه‌ای و ابتدال مذهبی تقسیم کرد. فراماسونری جریانی است که بیشتر ترویج ابتدال فرهنگی می‌کند، اما در توسعه ابتدال فرقه‌ای و مذهبی هم نقش مؤثر دارد، یعنی فراماسونری را نباید، جریانی در عرض جریان‌های ضد فرهنگ دیگر دانست؛ بلکه جریانی است که به یک معنا جریان‌های مختلف انحرافی را مدیریت می‌کند. در مورد جریان‌های ابتدال فرهنگی، اشاره‌ای به ابتدال ادبی شد و معلوم شد که با توجه به تلاشی که در این چند سال انجام شده است و با رمان‌ها و آثار ادبی ارزشی که منتشر شده تا حدود زیادی توانسته‌اند آن خسارت را جبران کنند، البته هنوز تهدید وجود دارد اما این تهدید با دست‌اندرکاران ادبی تبدیل به فرصتی شد، مخصوصاً مجموعه سوره و آثاری که در زمینه جبهه و جنگ تولید کردند، خاطرات جبهه و جنگ نوشته شد و یا همین مجموعه دفاع مقدس که احوالات دفاع مقدس را به رشته تحریر درآوردند.

ابتدال فرهنگی در سینما:

لایه دیگری از ابتدال فرهنگی؛ سینما است. سینما؛ شاخه‌ای از هنر است که در آن؛ یک داستان به وسیله دنباله‌ای از تصاویر متحرک که از آن به فیلم تعبیر می‌شود نمایش داده می‌شود. یعنی یک نمایش سینمایی؛ یک فیلم سینمایی می‌باشد. از عناصر تصویر که مجموعه‌ای از فریم‌ها و صدا است و صدا هم ترکیبی از گفتگو و موسیقی است. یعنی در واقع می‌توان گفت؛ سه عنصر مهم، سینما را تشکیل می‌دهد:

۱- تصویر ۲- گفتگو ۳- موسیقی.

و این کار توسط بازیگرها، کارگردان، فیلم‌بردار و ... انجام می‌شود و تحقق پیدا می‌کند، یک سری بحث‌هایی در رابطه با تاریخچه سینما و تحولات سینما در شرق و غرب مطرح است و مباحث دیگری مطرح می‌باشد که در مورد تحلیل این حادثه است، اگر بخواهیم سینما را بشناسیم به دو شکل این امکان وجود دارد:

۱- تعریف منطقی از سینما یعنی همین که ارائه شد سینما مجموعه‌ای از تصاویر متحرک است که دارای صدا و موسیقی می‌باشد.

۲- تعریف تاریخی از سینما؛ یعنی تاریخ سینما را مطالعه نموده و از تاریخ سینما به یک تعریفی می‌رسیم.

در این صورت هم دو شکل وجود دارد: اینکه صرفاً گزارش تاریخی دهیم مثلاً اینکه سینما از چه زمانی شکل گرفت در هالیوود، در بالیوود، در فرانسه، در اروپا و در آسیا چه تغییر و تحولی پیدا کرد یا در ایران سینما از چه سالی شکل گرفت، اولین فیلم‌ها چه بودند و سپس چه تصوراتی پیدا کرد و یکی از اشکالاتی که شهید آوینی به مدارس سینما داشت این بود که این‌ها تاریخ سینما می‌خوانند و نام آن را فلسفه می‌گذارند. تاریخ، تاریخ است اما اگر از تاریخ مبانی به دست آید و تحلیلی

شود در این صورت فلسفه سینما می‌باشد و حرف درستی هم می‌باشد یعنی اگر به رشته سینما در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های هنر مراجعه شود دیده می‌شود که به نام فلسفه سینما تاریخ سینما خوانده می‌شود و فقط یک تاریخی است که می‌گوید سینما کی به وجود آمد و چه سیر تطوری داشته است؛ اما چه فلسفه‌ای و چه فکری و چه پارادایمی حاکم بر سینما می‌باشد، این مسائل را به هیچ وجه دنبال نمی‌کنند و این کافی نیست؛ یعنی شناخت مصادیقی از فیلم‌های سینمایی به صورت تاریخی را نباید کشف فلسفه سینما دانست. در واقع می‌توان گفت شهید آوینی می‌خواست این هشدار را به کارگردانان و بازیگران کشورهای اسلامی بدهد که این‌ها از فلسفه سینما و هنر هیچ اطلاعی ندارند. مثلاً فیلم تلقین یک فیلم کاملاً مبتنی بر نسبی‌گرایی است یا مثلاً فیلم جنگ جبرئیل و میکائیل کاملاً یک مبنای فلسفی دارد و یک مبنای اومانیستی دارد. حتی فیلم‌های اجتماعی، فیلم‌های خانوادگی، و فیلم‌هایی که جنبه تربیتی دارند، در واقع مبتنی بر یک تفکر فلسفی هستند و شهید آوینی می‌خواست این را بفهماند و عملاً هم با تولید روایت فتح نشان داد که می‌توان مستند دینی ساخت، یعنی در این باب هم تئوری داد و هم موفق شد به صورت کاربردی و عملی کار کند. بنابراین نکته قابل توجه این است که نتیجه‌ای که می‌خواهیم از این مباحث بگیریم یک چپستی از سینما با روش فلسفی تاریخی می‌باشد و صرفاً جنبه تاریخی ندارد.

سبک‌های فیلم‌سازی :

یکی از مباحثی که در کتاب (جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها) ذکر گردیده است ژانرها و سبک‌های فیلم‌ها است و تا آنجا که تحقیق شده و از منابع استفاده شده است ۸ سبک فیلم‌سازی در حال حاضر وجود دارد :

۱- خیالی فانتزی ۲- علمی تخیلی ۳- درام ۴- کمدی ۵- اکشن ۶- نوآر ۷- وسترن ۸- ترسناک

فیلمی به نام فیلم دینی را در کتابها نام نبرده‌اند و باید یک قسم نهم اضافه کرد، چون فیلم‌های دینی ممکن است ترسناک هم باشد ولی دینی است. مثلاً فیلم طالع نحس فیلمی دینی بود اما ترسناک هم بود، یعنی جنبه تخیلی هم داشت اما نمی‌توان گفت که فیلم فقط خیالی است، بنابراین این بهتر است قسم نهم به نام فیلم دینی هم درست کرد.

در غرب سینما از اواخر قرن نوزدهم شروع شد. یعنی در واقع فیلم‌ها و تصاویر متحرک از آن زمان شکل گرفت و تا الان ادامه دارد. اما در سینمای ایران نخستین دوربین فیلم برداری در زمان مظفرالدین شاه وارد ایران شد و نخستین فیلم صدا دار فارسی، فیلمی بود به نام دختر لُر که در سال ۱۳۱۷ خورشیدی توسط عبدالحسین سپنتا تولید شد؛ تقریباً فیلم‌های قبل از انقلاب صرفاً فیلم‌های سرگرمی اما در عین حال اجتماعی، خانوادگی، و معمولاً در فاز روابط عشقی و این‌گونه مسائل بود و آلودگی‌های اخلاقی را هم در فیلم‌ها به نحوی نشان می‌دادند.

در سالهای ۱۳۵۷ که انقلاب به پیروزی رسید تا سال ۱۳۶۲ چون ضوابطی برای فیلم‌سازی در

سینمای ایران نبود می توان گفت که سینمای ایران وضع نابسامانی داشت؛ اما از سال ۱۳۶۲ ضوابط فیلم سازی تدوین شد. مثلاً عناصری مانند خشونت و سکس باید از سینمای ایران خارج شود و به ظاهر خارج کردند اما بعضی فیلم‌ها این گونه پیام‌ها را نشان می‌دهند. البته سینمای ایران از جهتی توسعه کمی خوبی و از جهتی هم توسعه کیفی یافت. ایران در حال حاضر پنجمین کشور جهان در تولید فیلم است، یعنی بعد از آمریکا (هالیوود)، هند (بالیوود) و کشورهایی مثل کره و چین، ایران پنجمین کشور تولید فیلم است. مثلاً حتی در روسیه ۱۴۰ میلیون نفری با مساحت ۷ برابر ایران و آن همه امکانات، یا حتی کشورهایی مثل انگلستان یا ایتالیا این تعداد تولید فیلم وجود ندارد، تولید فیلم ایران بسیار بالا است و این بعد از انقلاب رخ داد و فیلم‌های پُر هزینه دینی مثل سریالهای امام علی (علیه السلام)، یوسف پیامبر، ملک سلیمان و مختار نامه که تحول خوبی هم در ذهن مخاطب ایجاد نمود و در واقع با استفاده از مسائل تاریخی و قرآنی فیلم‌هایی را تولید نمودند. البته همه این تولیدات از همه جهات مربوط به ایران نیست مثلاً بعضی از جلوه‌های ویژه یا موسیقی را از جای دیگری اخذ کرده‌اند و این‌ها را می‌توان هنر دینی نامید. این فیلم‌ها در جهت کمی و کیفی رشد خوبی داشته‌وند و اگر کسی جوایز بین‌المللی را ملاک پیشرفت بداند بعضی از فیلم‌ها توانسته‌وند جوایز بین‌المللی را نیز کسب کنند.

اهداف سیاسی فیلم‌های ضد ایران :

اما هر فیلمی که بدبختی، فقر و فلاکت ایران را نشان می‌دهد؛ جوایز بین‌المللی بیشتری نصیب آن فیلم خواهد شد. حتی فیلم‌هایی که با اهداف سیاسی هر چند به لحاظ فنی بسیار ضعیف باشند مثل فیلم سنگسار ثریا میم، اکثر بازیگران آن ایرانی و بعضی هم تاجیکی بودند. از لحاظ فنی بسیار ضعیف بودند و از نظر ضد دینی کاملاً مشخص بود که در مسائل فقهی این مسئله وجود ندارد که مثلاً به این بهانه که شخصی در هنگام دادن وسیله‌ای دستش با دست زنی برخورد کرد زن را سنگسار کنند. این از لحاظ فقهی غلط است و در واقعیت خارجی هم چنین چیزی اتفاق نیفتاده است و از لحاظ هنر سینمایی هم، اهل فن می‌دانند که نه جلوه ویژه دارد و نه اثر هنری می‌باشد، اما به این فیلم جایزه می‌دهند. چون از ایران تصویری خشن و بی‌منطق نشان می‌دهد وقتی در فیلم یک مصداق نشان می‌دهند که عملی را انجام می‌دهد مخاطب این عمل را به همه مصادیق تسری می‌دهد، دقیقاً فیلم استقرایی‌ترین هنر است و بسیار شخصی و بسیار جزئی نشان می‌دهد تا بتواند تأثیر خود را بگذارد.

آسیب‌های سینمای ایران و جهان :

چند آسیب جدی به سینمای ایران وارد است و چند آسیب هم به سینمای جهان وارد است. آسیب سینمای جهان این است که انسان را یک حیوان غضبی و شهوانی معرفی می‌کند و لذا تمام فیلم‌های غربی مروج غضب یا مروج شهوت، و یا مروج هر دو می‌باشد؛ یعنی امکان ندارد فیلمی باشد و از این دو مؤلفه، یکی را نداشته باشد چون بر اساس تعریف از انسان، این کار را انجام می‌دهد، در

بعضی از فیلم‌ها کاملاً مشهود است که در صدد ایجاد انحراف اخلاقی می‌باشند. اما بعضی از فیلم‌های دیگر پیام اولش این نمی‌باشد بلکه پیام دومش این است که می‌خواهد انسان را تغییر دهد؛ به عبارت دیگر اگر بعضی از رشته‌های علوم انسانی، انسان را توصیف می‌کنند و فلسفه انسان مطلوب را معرفی می‌کنند، در واقع سینما می‌خواهد انسان موجود را به انسان مطلوب از نظر خودش تبدیل نماید.

بنابراین یک علوم انسانی مثل روان‌شناسی و جامعه‌شناسی وجود دارد که انسان موجود را معرفی می‌کند و یک فلسفه انسان وجود دارد که بر اساس مبانی فلسفی هر مکتبی انسان مطلوب را معرفی می‌کند لذا انسان مطلوب نزد فلاسفه متنوع و متعدد است، انسان مطلوب مارکس غیر از انسان مطلوب فویرباخ است با اینکه هر دو در فضای فکری هگلی الحادی و نه هگلی دینی می‌اندیشیدند یا مثلاً انسانی که بعضی روان‌شناسان مثل فروید، یونگ و ابرامزلو معرفی می‌کنند باهم متفاوت هستند با اینکه همه آن‌ها روانشناس و روانکاو هستند چون با یک شناخت و یک نوع تعریف و انسان مطلوب را معرفی می‌کند و سینما انسان موجود را به آن انسان مطلوب نزدیک می‌کند اگر انسان مطلوب یک حیوان شهوانی و غضبی بود، سینما انسان را به این سمت می‌کشاند. لذا اگر فیلم‌هایی را که حتی تا دهه پنجاه در غرب ساخته شده است را مشاهده کنید عمدتاً خانم‌ها با حجاب هستند و به ندرت آلودگی‌های اخلاقی مشاهده می‌شود، اما هرچه به دوران معاصر نزدیک می‌شویم می‌بینیم آن قدر فرهنگ برهنگی شایع و رایج است که دیگر هیچ حیایی باقی نمانده است چون انسان مطلوب این‌گونه معرفی شده است. ممکن است که گفته شود فیلم سازها به دنبال تجارت و سود اقتصادی هستند، فقط این نیست، بلکه حرف مهم شهید آوینی هم همین بود که فکر نکنید فقط عده‌ای سرمایه دار می‌خواهند سود اقتصادی ببرند بلکه واقعاً اهداف اخلاقی و سیاسی نیز دارند و می‌خواهند انسان موجود را تغییر دهند؛ وقتی مشتی انسان فاسق و فاجر و سست عنصر در جامعه باشند این‌ها دیگر کاری از پیش نمی‌برند و در بحث موسیقی هم همین کار را کردند وقتی سیاه پوستان آمریکایی موسیقی‌های مدرن را جهت مبارزه با تبعیض نژادی تولید کردند، سیاست مداران آمریکایی سریع آن را به سمت انحراف اخلاقی تغییر دادند. لذا وقتی الان سیاه پوستان آمریکایی موسیقی رپ خیابانی اجرا می‌کنند اصلاً در فضای رپ خیابانی نیستند که سی یا چهل سال پیش اجرا می‌کردند و نوع مضامین اشعار تغییر پیدا کرده است و به دنبال هرزه‌گری هستند و لذا هرچه ظلم و ستم به این‌ها وارد می‌شود ساکت هستند و هنوز هم تبعیض نژادی در آمریکا مخصوصاً در بعضی ایالات بسیار بالا است.

اگر ما بخواهیم آسیب جدی به سینمای غرب یا حتی سینمای هند و شبه قاره داشته باشیم مهم‌ترین آسیب؛ آسیب فلسفی است یعنی ابتدا یک تلقی از انسان ارائه کرده‌اند و بعد بر اساس آن تلقی فیلم را می‌سازند و البته طبیعتاً به دنبال منافع اقتصادی خود نیز می‌باشند.

تقلید؛ آسیب بزرگ سینمای ایران :

در ایران، بزرگ‌ترین آسیب سینما؛ تقلید است مثلاً فیلم‌هایی که خانم تهمینه میلانی می‌سازد همه فمینیستی است. مثلاً در فیلم تسویه حساب، فیلم، از عده‌ای زن منحرف و خلاف‌کار که از زندان آزاد شده‌اند حمایت می‌کند و بعد تمام مردها را حتی پیرمرد متدینی که انسان مذهبی و مسجدی هست؛ فاسد معرفی می‌کند، این توهین است یعنی حتی متدینین جامعه ایران هم این گونه هستند و مردان فاسد هستند یعنی یک نگاه بسیار منفی به مرد و توجیه انحراف و خلافکاری زن می‌باشد. البته کسی هم می‌تواند برعکس این‌ها فیلم بسازد، یعنی یک فیلم مردسالارانه‌ای که بر علیه زنان و بانوان باشد و برای سوق دادن جامعه به این سمت این کار را انجام می‌دهند به هر حال توده مردم یک روحیه تقلیدی دارند، مثلاً می‌بینیم بعضی واژه‌ها در فیلم‌ها چقدر زود و تا مدت‌ها مطرح می‌شود و بر سر زبان می‌افتد و حتی بحث فقط مربوط به عوام نیست و خواص هم همین طور هستند. مثلاً فقط رانندگی عوام بد نیست بلکه رانندگی خواص هم بد است، یعنی یک انحراف در رانندگی در بین رانندگان شایع شده است و ممکن است این راننده دکترای فلسفه هم داشته باشد و استاد معروفی هم باشد، بحث تنها مربوط به عوام مردم نیست.

در هر صورت یک سری فیلم‌های عامه پسند ضعیف با مضامین ضد اخلاقی و ضد اسلامی که کاملاً تقلیدی است می‌باشد، یعنی اگر از این‌ها سوال کنید که پشتوانه فلسفی شما چیست؟ و چه فکری عقبه این فیلم را تبیین می‌کند؟ هیچ چیزی ندارند یعنی واقعاً هیچ نگاه فکری ندارند و صرفاً تقلیدی است؛ بسیاری از فیلم‌ها هستند که می‌بینید از یک فیلمی الگو گرفته‌اند. مثلاً فیلم جایی دیگر آقای مهدی کرم پور یک تقلیدی از فیلم دیوار آبن پار که است و دقیقاً همان را در اینجا پیاده کرده است و فقط ناظر بر دفاع مقدس است. مثلاً شخصی که جبهه رفته است و حالا پشیمان شده است، منظور این نیست که همچنان واقعیتهایی نداریم نه افرادی را داریم که جبهه رفته‌اند و پشیمان شده‌اند و حتی برخی از آن‌ها بی‌دین شده‌اند، اما درصد آن چقدر است؟ فیلمی که در مورد امر مقدسی وارد می‌شود و با آن بازی می‌کند این بسیار خطرناک است، چند سال از جنگ جهانی دوم گذشته است؟ نزدیک هفت دهه گذشته است و این‌ها فیلم‌های پارتیزانی زیادی علیه آلمانی‌ها درست کرده‌اند؛ منظور این است که امری که ملی است و مربوط به مملکت است را نباید بازیگران به بازی بگیرند و مسخره کنند. حتی بعضی فیلم‌های حاتمی‌کیا به نظر می‌رسد که عدول از سنت گذشته‌اش است، فیلم به نام پدر فیلمی به نفع دفاع مقدس نیست، بلکه به ضرر دفاع مقدس است هرچند بعضی با این نظر مخالفند این فیلم تلویحاً نقد می‌کند کسانی را که در منطقه مین کاشته‌اند، چون پای آن دختر بچه روی مین رفته و قطع شده است به هر حال جنگ همین است یا مثلاً فیلم کتاب قانون یک کثرت‌گرایی دینی را فقط در یک بخش نشان می‌دهد آنجایی که می‌گوید «ادیان همه مثل هم هستند و فرقی نمیکنند».

فیلمی که چند وقت پیش از شبکه سوم پخش شد فیلمی که در آن آمریکایی‌ها وارد عراق می

شوند و بمب‌ها را خنثی می‌کنند و کل پیام فیلم این است که؛ ما آمریکایی‌ها به عراق آمده‌ایم که به عراقی‌ها کمک کنیم و متدینین در حال انجام عملیات انتحاری هستند و عراقی‌ها را قتل عام می‌کنند و ما از آمریکا زن و بچه را رها کرده‌ایم و به اینجا آمده‌ایم تا به آن‌ها کمک کنیم. تمام فیلم مملو از صحنه‌های احساساتی است و وقتی دوربین در حال چرخش است در یک صحنه پرچمی را نشان می‌دهد که روی آن نوشته شده است « لا اله الا الله مُحَمَّدًا رَسولُ الله » یعنی این تروریستها مسلمان هستند و ما مسیحیان آمریکایی به قصد کمک به این‌ها آمده‌ایم، آن‌ها از تراج سرمایه‌های عراق توسط آمریکایی‌ها که فیلم نمی‌سازند، و فیلمی نمی‌سازند از کمک به تروریستها برای ناامنی عراق و توجیه حضورشان در عراق و هیچگاه فیلمی در این مورد نمی‌سازند.

در نتیجه مهم‌ترین آسیب سینمای ایران این است که؛ تقلید محور است و حتی در فیلم‌های دینی پشتوانه فلسفی ندارد. تلاش زیادی کرده‌اند و قابل تقدیر است اما مثلاً در فیلمی امام علی (علیه السلام) چند درصد از آن در مورد شخصیت ایشان بود، یک قصه چند سطری در مورد قطام در تاریخ آمده است اما نصف فیلم در مورد قطام بود، بحث تاریخی مختار دقیق تر بود به هر حال در این فیلم هم پشتوانه فلسفی وجود ندارد، البته جذابیت هم بسیار مهم است. وقتی فیلم‌های جنگ را مشاهده می‌کنیم دیده می‌شود فیلم‌هایی که از ابتدا تا انتهای جنگ ساخته می‌شد بسیار جذاب بود اما الان بامشاهده فیلم‌های جنگ می‌بینیم بسیار اتو کشیده چفیه‌ها نو و تمیز و ... این چه جبهه‌ای است؟ باید قدری فضای جبهه مشخص باشد یعنی هیچ جذابیتی ندارد و حتی بچه‌ای که دفاع مقدس را ندیده است می‌گوید؛ این ساختگی است و روح ندارد و فیلم‌ها از این لحاظ نیز آسیب جدی دارند. ما پدیده‌های اجتماعی فراوانی داریم که اگر به فیلم تبدیل شوند می‌توانند بسیار تأثیر گذار باشند به نظر یکی از علل فروش بالای اخراجی‌ها علاوه بر بحث طنز آن بحث دیگرش اجتماعی بودن آن می‌باشد یعنی مباحث اجتماعی را نشان داد و مخصوصاً اخراجی‌های ۳ بحثی سیاسی و انتخاباتی را به تصویر کشید و یک بحث اجتماعی را به طنز نشان داد. با اینکه آقای ده‌نمکی کارگردان فنی نیست یعنی آدمی نیست که دوره‌هایی دیده باشد اما تجربه پیدا کرده است و هرچه پیش می‌رود فیلم‌هایش قوی‌تر می‌شود و از تجربه دیگران در انتخاب بازیگر و بعضی دیالوگ‌ها استفاده کرده است. بنابراین توانسته تا حدود زیادی مؤثر باشد. اگر فیلم اجتماعی باشد و واقعی هم باشد یعنی ناظر به نیازهای جامعه باشد بهتر است تا اینکه فیلم غربی را ببینیم و از روی آن فیلمی بسازیم و آن را بومی کنیم؛ این خیلی جواب نمی‌دهد.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین آسیب، تقلید است و آسیب‌های دیگر مثل بعضی مسائل غیر اخلاقی زائیده این آسیب است، مانند بعضی مسائل غیر اخلاقی که در فیلم‌های ایرانی هم مشاهده می‌شود مثلاً دختر و پسری که برای اولین بار همدیگر را می‌بینند و یکدیگر را با اسم کوچک صدا می‌کنند و این خلاف آموزه‌های دینی می‌باشد. یا مثلاً در فیلم کما وقتی روح پسر از بدن خارج می‌شود با روح دختری آشنا می‌شود و روابط دختر و پسر در ملکوت و در بین ارواح نیز می‌باشد. با همین

مسائل فرهنگ سازی می‌شود و و تأثیر منفی خود را می‌گذارد و این مهم‌ترین بحرانی است که با آن روبرو هستیم.

بحث ما سینما شناسی نیست بلکه جریان شناسی است و در جریان شناسی باید، دیده بانی نگاه کنیم و در دیده بانی موردی مسائل را مشاهده کرده و تحلیل می‌کنیم و نیاز کنونی ما در بحث سینما؛ فلسفه سینما می‌باشد.

موسیقی گرایبی و ابتذال فرهنگی :

جریان بعدی که جزء ابتذال فرهنگی می‌باشد جریان موسیقی گرایبی می‌باشد، موسیقی دو بخش دارد :

۱- بخش اول : بحث هنری آن است.

۲- بخش دوم : بحث علمی موسیقی است.

که اصلاً موسیقی چیست؟ تعریفش چیست؟ و مشتق از چه واژه ای است؟

اجمالاً باید گفت که؛ موسیقی در گذشته جزء ریاضیات بوده است و الان جزء هنر شده است. با این حال هر کس می‌خواهد موسیقی بداند باید ریاضیات هم بداند یعنی نت های موسیقی کاملاً بر اساس محاسبات ریاضی می‌باشد. اگر کتاب شفاء را دیده باشید به بخش های مختلفی تقسیم می‌شود مثل الهیات و طبیعیات و ... غیر از مباحث طب، یک بخشی از آن؛ ریاضیات است و یک بخشی از ریاضیات موسیقی است، یعنی ریاضیات را به حساب و هندسه و موسیقی و نجوم تقسیم می‌کند و بوعلی سینا که هفت دستگاه موسیقی را توضیح می‌دهد آن‌ها را دقیقاً بر اساس محاسبات ریاضی توضیح می‌دهد. الان هم که موسیقی به عنوان بخشی از هنر تلقی می‌شود باز هم از ریاضی استفاده می‌کنند موسیقی؛ هنر بیان احساسات انسانی به وسیله صدا است.

دو رکن اساسی در موسیقی :

یعنی موسیقی دو رکن بیشتر ندارد : الف : صدا ب : ریتم.

صدا؛ نتیجه حرکت ارتعاشی است که به وسیله گوش احساس می‌شود.

بنابراین صدا ها دو نوع هستند :

۱- ارتعاشات نامنظم؛ یعنی بدون ریتم.

۲- ارتعاشات منظم؛ یعنی دارای ریتم.

ارتعاشات نامنظم را صداهای غیر موسیقایی گویند ارتعاشات نامنظمی که ممکن است از هر انسانی یا پدیده ها و اشیاء دیگر صادر شود مثل صدایی که زیر و بم دارد شدت و ضعف دارد اما نظم ندارد. صدایی که زیر و بم و شدت و ضعفش دارای نظم باشد چه از طریق زبان و چه از طریق ساز باشد موسیقی حتماً باید صدا یا صوت داشته باشد که با دستگاه شنوایی شنیده می‌شود و حتماً باید یک نظمی داشته باشد.

نُت ها : بنابر این بحثی به نام نُت در موسیقی وجود دارد و عبارت است از علاماتی که صداهای موسیقی به وسیله آن نوشته و اجرا می شود نت ها علاماتی هستند که به ما می گویند کجا باید صدا زیر شود کجا بم شود و شدت و ضعف صدا و کیفیات مختلف را مشخص می کنند و علائم مختلفی هم دارند مثلاً تنهای موسیقی do یا re، mi، fa، sol و هر کدام از این ها یک بار معنایی دارد؛ شاید بتوان گفت که از ابتدای خلقت بشر موسیقی همراه بشر بوده است البته منظور دانش موسیقی نیست.

موسیقی در میان بزرگان ایران :

اما نکته مهم و جالب توجه این است که بزرگان زیادی داشته ایم که در مورد موسیقی کار کرده اند و در این زمینه سخن گفته و رساله دارند. مثلاً رودکی موسیقی دان بوده است کندی موسیقی می شناخته، فارابی، ابوالفرج اصفهانی، جریان اخوان الصفا (و این جریان، موسیقی را بر اساس فلسفه خود موسیقی را بنا نهاده اند)، صفی الدین ارموی، خواجه نصیر الدین طوسی، قطب الدین شیرازی، عبدالقادر مراغی و جامی که این ها موسیقی را می شناختند و اظهار نظر می کردند. مثلاً صفی الدین ارموی کتابی دارد به نام الادوار که درباره موسیقی است و حتی گامها و ردیف های موسیقی را توضیح می دهد یا فارابی کتاب الموسیقا الکبیر را نوشته است و حتی می گویند فارابی یک ساز موسیقی نیز ساخته است یعنی فارابی فلسفه ای داشته است و بر اساس آن دستگاههای موسیقی را بیان می کند و بر اساس این دستگاهها و فلسفه موسیقی یک ساز تولید می کند، اما الان این ساز موجود نیست و از بین رفته است. بوعلی سینا مشهور است که به دو دلیل او را شیخ الرئیس می نامند یکی اینکه علم کیمیا و تبدیل شدن مس به طلا را قبول نداشته و دوم اینکه اهل موسیقی نیست و موسیقی را قبول نداشته است، ولی در کتاب شفا هفت دستگاه موسیقی را بیان می کند و شرح و بست می دهد فقها هم درباره موسیقی رساله هایی دارند.

چون به طور کلی موسیقی به دو دسته سنتی و مدرن تقسیم می گردد.

موسیقی سنتی : در غرب به موسیقی سنتی کلاسیک می گفتند که فقط آهنگ بود ولی آواز نداشت و فقط با پیانو موسیقی را اجرا می کردند.

موسیقی سنتی: موسیقی سنتی ایرانیان هفت دستگاه است دستگاه شور، دستگاه همایون، دستگاه ماهور، دستگاه چهارگاه، دستگاه سه گاه، دستگاه راست پنج گاه و دستگاه نوا. این هفت دستگاه در حد اعتدال و آهنگ های ملایم و متوسط و زیاد شاد و زیاد حزن انگیز متفاوت هستند. مثلاً بسیاری از بزرگان ما حمد و سوره نماز را در دستگاه سه گاه می خوانند چون این دستگاه مذهبی می باشد سه گاه حزن ملایم است، چهار گاه شادی اش بیشتر است و راست پنج گاه شادتر است البته هر کدام از دستگاهها گوشه های متفاوتی دارند و اکثر خوانندگان سنتی از این دستگاهها استفاده می کنند ما موسیقی قوالی هم داشتیم که یک هنر شرقی اسلامی می باشد و در هندوستان و پاکستان خیلی زیاد است و صوفیه آنجا استفاده می کنند و اعتقاد دارند این سبک موسیقی؛ انسان را به خدا می رساند تکه ای حصیر پهن می کردند و چند نفر بر روی آن می نشستند و شروع به نواختن

موسیقی می کردند، البته در ابتدا خواننده شروع به خواندن و ذکر گفتن می کرد و بعد از اینکه مدتی شعر می خواند سازها هم به صدا در می آمد، این نوع موسیقی را شخصی به نام فاتح علی خان راه اندازی کرد و الان در شبه قاره بسیار رایج است.

موسیقی مدرن جایگزین موسیقی کلاسیک در غرب :

در غرب الان موسیقی کلاسیک کاملاً از بین رفته و اجرا نمی شود و موسیقی مدرن جای آن را گرفته است. در اصل موسیقی از قرن پنجم میلادی به بعد در غرب رایج شد اما الان موسیقی کلاسیک مطرح نیست و موسیقی به سبک مدرن مطرح است مثل سبک های جاز، پاپ، راک، متال، بلوز و رپ و اینها دستگاهها و سبک های مدرن است. البته در موسیقی مدرن، هم دستگاهها عوض شده است و هم سازهای جدیدی تهیه شده است.

مثلاً اول اینکه؛ در موسیقی کلاسیک اصلاً از گیتار الکترونیکی استفاده نمی کردند، اما برعکس در موسیقی مدرن از گیتار الکترونیکی استفاده می کنند.

دوم؛ در موسیقی کلاسیک شعر نبود اما موسیقی مدرن شعر دارد.

سوم : موسیقی کلاسیک آرام بود یعنی آرام آرام با نفس انسانی کنار می آمد و او را همراهی می کرد، اما موسیقی های مدرن؛ عمدتاً تند هستند و حالت احساساتی شدیدی دارند و ملایم تر آن ها موسیقی پاپ است و بدتر آن ها موسیقی رپ می باشد و بدترین آن ها موسیقی رپ خیابانی می باشد و هر کدام از اینها دارای زیر مجموعه هایی نیز می باشد. مثلاً موسیقی متال از زیر مجموعه هایش هوی متال، بلک متال است و شیطان پرستان از هوی متال زیاد استفاده می کنند. برخلاف موسیقی سنتی، موسیقی ساده و یکسان و تکراری است یعنی اگر کسی بخواهد موسیقی سنتی آموزش ببیند باید وقت زیادی صرف کند اما موسیقی مدرن این گونه نیست و یکی از تفاوت های موسیقی مدرن و کلاسیک این است که موسیقی سنتی و کلاسیک بسیار پیچیده است و یادگیری آن زمان بر می باشد، اما موسیقی مدرن این گونه نیست. مثلاً در ایران می بینید کسی که اصلاً هیچ تخصص موسیقی ندارد یک رپ خیابانی اجرا می کند و کارش هم مورد استقبال قرار می گیرد. ملایم ترین آن ها موسیقی پاپ است که الان بعضی از خوانندگان ما موسیقی پاپ و سنتی را ترکیب کرده اند، چون برخی جوانان علاقه به موسیقی پاپ پیدا کرده اند، خوانندگان برای اینکه مخاطب خود را از دست ندهند یک ترکیب سنتی و پاپ درست کرده اند مثل آقای اصفهانی، آقای افتخاری، مرحوم آقای بسطامی تا اینجا به توصیف موسیقی پرداختیم و انواع مدرن و کلاسیک و سنتی و دستگاههای هفتگانه را بیان کردیم.

موسیقی در نظر فقهاء

ممکن است سوال شود این چه ربطی و ضرری به اسلام و دین دارد و چرا ابتذال فرهنگی است، موسیقی یک کار دو لبه است یعنی هم می توان با آن کار مفید انجام داد و هم امکان دارد دست را ببرد. امکان دارد کسی موسیقی را اجرا کند که غنای لهوی نباشد و ممکن هست این را رعایت

نکند، اگر بخواهیم موسیقی را با اسلام بسنجیم، باید آن را هم با فقه و هم با فلسفه سنجید. فقهای ما در باب فقه و موسیقی تلاش زیادی کرده‌اند و رساله‌های متعددی در چهار جلد چاپ شده و الان هم فقهای معاصر در کتاب‌هایشان به این مسئله می‌پردازند. رابطه فلسفه و موسیقی را هم قدمای فلاسفه خوب کار کرده‌اند، اما معاصرین خوب کار نکرده‌اند و این دو را باید از هم جدا کرد. به لحاظ فقهی عده‌ای می‌گویند؛ موسیقی مطلقاً حرام است، عده‌ای دیگر می‌گویند موسیقی فی حد نفسه حلال است؛ مگر اینکه حادثه و لازمه‌ای در کنار آن بیاید و آن موسیقی را حرام کند و نظر سوم که نظر رایج بین اکثر فقها می‌باشد این است که بعضی مصادیق موسیقی حلال است و بعضی مصادیق آن یعنی اگر اگر غنای لهوی باشد حرام می‌باشد.

غنا چیست؟

غنا چیست؟ غنا عبارت از آهنگ و صدای دارای ریتم و منظم است. حتی در بعضی روایات آمده است که قرآن را با صدای غنا بخوانید این به معنای غنای لهوی نیست؛ غنا یعنی آواز شادی آفرین و آواز خوش و طرب‌انگیز، صدای زیبا و کشیده که در گلو غلطانده شود. این صدا ممکن است گاهی شادی آفرین و گاهی اندوهناک باشد و این غنا می‌باشد، اما گاهی غنا لهوی است یعنی این صدا انسان را به گناه می‌کشاند؛ یعنی صدایی است که به صورت آواز است و در گلو چرخانده می‌شود و این صدا با حرامی همراه است، این حرام چیست؟ گاهی شعری است که خوانده می‌شود و مضامین حرام و گناه‌آلود دارد گاهی آهنگی که به همراه صدای غنا می‌آید منشأ حرام است گاهی مجلس، مجلس حرام است و اهل فسق و گناه است مثلاً یک رقاصی در حال خواندن است یا مجلس شراب است یا مجلس مختلط است؛ این حرامش می‌کند، پس غنای لهوی الزاماً مربوط به صدا و آواز نیست ممکن است مربوط به مجلس باشد. مثلاً خانم فاسقه‌ای وارد مجلس شده است و شعر می‌خواند و مجلس را به گناه دعوت می‌کند ولو ممکن است آن خواننده شعرش شعر مولوی باشد، دستگاهش دستگاه سه‌گانه باشد. بعضی خوانندگان زن قبل از انقلاب بودند که شعرشان مشکلی نداشت و دستگاه‌هایشان هم موسیقی سنتی بود و حدود ۱۰ الی ۱۵ سال قبل از انقلاب موسیقی پاپ مطرح شد و آن هم ترکیبی از سنتی و پاپ بود اگر فقهایی هم هستند مثل آیت الله العظمی بهجت که موسیقی را مطلقاً حرام می‌دانند به این دلیل است که موسیقی که الان رایج است و استفاده می‌کنند در همین مسیر گناهانی است که وجود دارد و استفاده حداکثری آن در مسیر گناه است و اگر عده‌ای خواستند از سازهای موسیقی برای استفاده مشروع استفاده کنند؛ اشکال ندارد یا بعضی سازها اصلاً برای مراسم مذهبی است، مثل دَمَام (دُهَل) بوشهری‌ها در هیچ یک از مجالس دیگر استفاده نمی‌شود و فقط مخصوص عزاداری است و طبق نظر اکثر فقها این موارد اشکال ندارد.

موسیقی مدرن منشأ شهوت، غضب و ناامیدی :

عمده موسیقی‌های مدرن مشکل دارد، مضامین اشعارشان مشکل دارد؛ یعنی مضامینی که در موسیقی رپ استفاده می‌کنند؛ یأس و ناامیدی و نفرت از انسان است و همه را فاسد و دروغگو

میداند و یک نگاه کاملاً نامیدانه ارائه می‌دهد. حرمت، فقط مربوط به بحث شهوت نیست ممکن است موسیقی منشأ شهوت باشد، اما گاهی موسیقی منشأ شهوت نیست، بلکه منشأ یأس و خود کشی است، مایکل جکسون وقتی برنامه ای اجرا می‌کرد با اینکه ایشان سلطان پاپ بود و به غیر از پاپ از سبک دیگری استفاده نمی‌کرد و آن قدر شرکت کننده داشت که گاهی اوقات از خود بی خود می‌شدند و در جلسه تعدادی خودکشی می‌کردند.

به لحاظ فلسفی گاهی اوقات موسیقی شهوت زا نیست، بلکه عقل ستیز و عقل زدا است چون خدای سبحان به ما عقل و شهوت و غضبی داده است. اگر موسیقی باعث غلبه عقل بر غضب و شهوت شود به لحاظ فلسفی ایراد ندارد، اما اگر غلبه شهوت و غضب بر عقل بود این به لحاظ فلسفی اشکال دارد یعنی اگر کسی با گوش دادن به موسیقی شهوت یا غضبش تحریک شد و عقلش زدوده شد یا گرفتار فساد اخلاقی، بد اخلاقی، عصبیت، تعصب و غضب شد، اشکال دارد.

این مطلب را بوعلی و فارابی نیز اشاره کرده‌اند که؛ افراط در موسیقی حتی اگر حلال هم باشد مضر است مثلاً چای و غذا هم مباح هستند اما اگر زیاد بخوریم موجب مرض و مرگ می‌شود.

موسیقی معتدل و حلال:

موسیقی در حد اعتدال به شرط اینکه شهوت و غضب را بر عقل برتری ندهد؛ اشکال ندارد و این را، هم فقهاء و هم فلاسفه می‌گویند و بر اساس این مبنا دست جریان عقلانیت اسلامی در مورد موسیقی بسته نیست، چون اگر کسی قائل به حرمت موسیقی باشد؛ سینما نیز باید تعطیل باشد چون ابزار سینما موسیقی است. البته ممکن است غنای لهوی برای افراد، نسبی باشد، برای کسی کم و برای دیگری زیاد باشد اما کم هم حرام است مثل شراب می‌ماند غنای لهوی هم ذو مراتب است اما همان یک درصد هم حرام است و اشکال دارد چون یک درصد تأثیر می‌گذارد و همین یک درصدها به انسان آسیب می‌زند. پس معتقدیم که پیامدهای مثبتی هم برای موسیقی هست و موسیقی حلال هم وجود دارد، اما این انواع موسیقی حرامی بود که اشاره شد.

موسیقی ابزاری برای عقل ستیزی :

الان متأسفانه در دنیا موسیقی ابزار عقل ستیزی و شهوت گرایی و غضب گرایی شده است و به این سمت در حرکت است، لذا از موباریک‌تر و از شمشیر تیزتر است و باید بسیار احتیاط کرد و جالب است؛ این را بدانید و در تاریخ هم این قابل مشاهده است که؛ هر گاه حاکمان می‌خواستند مردم را گرفتار تحذیر کنند؛ از موسیقی و غنای لهوی استفاده کرده‌اند. مثلاً در تاریخ آمده است در کتاب «اخبار الطوال» بعد از حادثه کربلا اهل بیت عصمت و طهارت افشاگری کردند و خطبه‌ها خواندند، خیلی تأثیر مثبتی بر جامعه خصوصاً مدینه گذاشت و حکومت یزید که دید از طریق فکری و علمی و منبری‌هایی که علیه اهل بیت (علیهم السلام) صحبت می‌کردند دیگر تأثیر گذار نیست برای خنثی

کردن این قضیه از موسیقی استفاده کرد و در این کتاب اخبار الطوال آمده است: آن قدر موسیقی غنای لهوی در مدینه و مکه رواج پیدا کرد که برای انسان باور کردنی نبود که اینجا شهر پیغمبر است و نقل می‌کند که یک زن فاسده ای بود که رامشگری و آواز خوانی می‌کرد این زن وقتی به مدینه می‌آمد آن قدر از او استقبال می‌شد که از هیچ پادشاهی این‌گونه استقبال نمی‌شد و در موقع برگشت نیز همین طور بود. یعنی آن قدر فساد در مکه و مدینه رواج پیدا کرد که مردم مشغول همین مسایل بودند. لذا امام سجاد (علیه‌السلام) در این فضا امامتشان را انجام دادند و لذا به دنبال صحیفه سجادیه رفت و رساله الحقوق را نوشتند یعنی مردم مسخ و فسخ شده یادشان رفته بود که این مسیر، مسیر غلطی است و پیامبر آمده تا این‌ها را جمع کند و حال، شما عوض شده اید و الان هم دشمن در حال استفاده از همین ابزار است.

در این شرایط وظیفه چیست؟ وظیفه این است:

۱- معرفت زایی کنیم و موسیقی‌های مبتذل و انحرافی را معرفی کنیم و آثار و پیامدهای منفی آن را بیان کنیم.

۲- از موسیقی حلال و غنای غیر لهوی استفاده کنیم یعنی تعدادی آهنگ-ساز، شاعر، خواننده متدین باشند که بتوانند آثار مثبت را ایجاد کنند.

لایه دیگری از ابتذال فرهنگی سینما است، سینما شاخه ای از هنر است و فیلم سینمایی از عناصر تصویر (مجموعه ای متشکل از فریم‌ها) و صدا (ترکیبی از گفتگو و موسیقی) تشکیل شده است یعنی در واقع می‌توان گفت سه عنصر مهم سینما را تشکیل می‌دهد: ۱- تصویر ۲- گفتگو ۳- موسیقی سبک‌های رایج در سینما را می‌توان به ۸ سبک تقسیم کرد: ۱- خیالی فانتزی ۲- علمی تخیلی ۳- درام ۴- کمدی ۵- اکشن ۶- نُوآر ۷- وسترن ۸- ترسناک

باید یک قسم نهم نیز اضافه کرد به نام فیلم‌های دینی از این سبک در کتاب‌ها نام نبرده‌اند.

از سال ۱۳۵۷ که انقلاب به پیروزی رسید تا سال ۱۳۶۲ چون ضوابطی برای فیلم سازی در سینمای ایران نبود می‌توان گفت که سینمای ایران وضع نابسامانی داشت اما از سال ۱۳۶۲ ضوابط فیلم سازی تدوین شد و مثلاً عناصری مانند خشونت و سکس باید از سینمای ایران خارج شود، و به ظاهر نیز این عناصر خارج شد.

چند آسیب جدی به سینمای ایران و سینمای جهان وارد است.

آسیب سینمای جهان این است که انسان را یک حیوان عصبی و شهوانی معرفی می‌کند و لذا تمام فیلم‌های غربی مروج غضب یا مروج شهوت، و یا مروج هر دو می‌باشد، چون بر اساس تعریف از انسان این کار را انجام می‌دهند در واقع سینما می‌خواهد انسان موجود را به انسان مطلوب از نظر خودش تبدیل نماید.

اگر بخواهیم آسیب جدی به سینمای غرب یا حتی سینمای هند و شبه قاره داشته باشیم مهم‌ترین آسیب، آسیب فلسفی است یعنی ابتدا یک تلقی از انسان ارائه کرده‌اند و بعد بر اساس آن تلقی فیلم را می‌سازند.

در ایران، بزرگ‌ترین آسیب سینما تقلید است یک سری فیلم‌های عامه پسند ضعیف با مضامین ضد اخلاقی و ضد اسلامی که کاملاً تقلیدی است می‌سازند، یعنی اگر از این‌ها سؤال کنید که پشتوانه فلسفی شما چیست؟ و چه فکری عقبه این فیلم را تبیین می‌کند؟ هیچ چیزی ندارند یعنی واقعاً هیچ نگاه فکری ندارند و صرفاً تقلیدی است.

جریان بعدی که جزء ابتدال فرهنگی می‌باشد جریان موسیقی گرای می‌باشد، موسیقی دو بخش دارد :

۱- بخش اول : بحث هنری آن است.

۲- بخش دوم : بحث علمی موسیقی است.

که اصلاً موسیقی چیست؟ تعریفش چیست؟ و مشتق از چه واژه ای است؟

موسیقی دو رکن بیشتر ندارد : الف : صدا ب : ریتم

صدا نتیجه حرکت ارتعاشی است که به وسیله گوش احساس می‌شود.

بنابراین صداها دو نوع هستند :

۱- ارتعاشات نامنظم یعنی بدون ریتم

۲- ارتعاشات منظم یعنی دارای ریتم

نُت چیست؟ عبارت است از علاماتی که صداها را موسیقی به وسیله آن نوشته و اجرا می‌شود نت‌ها علاماتی هستند که به ما می‌گویند کجا باید صدا زیر شود کجا بم شود و شدت و ضعف صدا و کیفیات مختلف را مشخص می‌کنند.

موسیقی کلاسیک : در غرب به موسیقی سنتی کلاسیک می‌گویند که فقط آهنگ بود ولی آواز نداشت و فقط با پیانو موسیقی را اجرا می‌کردند.

موسیقی سنتی: موسیقی سنتی ایرانیان هفت دستگاه دارد. این هفت دستگاه در حد اعتدال و آهنگ‌های ملایم و متوسط و زیاد شاد و زیاد حزن انگیز متفاوت هستند.

در حال حاضر در غرب موسیقی کلاسیک مطرح نیست و موسیقی به سبک مدرن مطرح است مثل سبک‌های جاز، پاپ، راک، متال، بلوز و رپ و این‌ها دستگاه‌ها و سبک‌های مدرن است.

در مورد احکام موسیقی نیز به لحاظ فقهی عده ای می‌گویند موسیقی مطلقاً حرام است، عده ای دیگر می‌گویند موسیقی فی حد نفسه حلال است مگر اینکه حادثه و لازمه ای در کنار آن بیاید و آن موسیقی را حرام کند و نظر سوم که نظر رایج بین اکثر فقها می‌باشد این است که بعضی مصادیق موسیقی حلال است و بعضی مصادیق آن اگر غنای لهوی باشد حرام می‌باشد.

غنا چیست؟ غنا عبارت است از آهنگ و صدای دارای ریتم و منظم است؛ غنا یعنی آواز شادی آفرین و آواز خوش و طرب انگیز، صدای زیبا و کشیده که در گلو غلطانده شود این صدا ممکن است گاهی شادی آفرین و گاهی اندوهناک باشد و این غنا می‌باشد، اما گاهی غنا لهوی است یعنی این صدا انسان را به گناه می‌کشاند یعنی صدایی است که به صورت آواز است و در گلو چرخانده می‌شود و این صدا با حرامی همراه است این حرام چیست؟ گاهی شعری است که خوانده می‌شود و مضامین

حرام و گناه آلود دارد گاهی آهنگی که به همراه صدای غنا می‌آید و منشأ حرام است گاهی مجلس، مجلس حرام است و اهل فسق و گناه است.

عمده موسیقی‌های مدرن، مضامین و اشعارشان مشکل دارد یعنی مضامینی که در موسیقی رپ استفاده می‌کنند یأس و ناامیدی و نفرت از انسان است و همه را فاسد و دروغ گو می‌داند و یک نگاه کاملاً ناامیدانه ارائه می‌دهد، حرمت فقط مربوط به بحث شهوت نیست ممکن است موسیقی منشأ شهوت باشد اما گاهی موسیقی منشأ شهوت نیست بلکه منشأ یأس و خود کشی است. الآن متأسفانه در دنیا موسیقی ابزار عقل ستیزی و شهوت گرایی و غضب گرایی شده است لذا از موباریک‌تر و از شمشیر تیزتر است و باید بسیار احتیاط کرد.

در این شرایط وظیفه چیست؟ وظیفه این است :

۱- معرفت زایی کنیم و موسیقی‌های مبتذل و انحرافی را معرفی کنیم و آثار و پیامدهای منفی آن را بیان کنیم.

۲- از موسیقی حلال و غیر لهنوی استفاده کنیم یعنی تعدادی آهنگساز، شاعر، خواننده متدین باشند که بتوانند آثار مثبت را ایجاد کنند.

آزمون

- ۱ - یکی از اشکالاتی که شهید آوینی به مدارس سینما داشت؛ چه بود؟
۱. تدریس تاریخ سینما و نام گذاری آن به فلسفه سینما
 ۲. تدریس فلسفه غربی سینما
 ۳. دوری از آموزش سینمای دینی

- ۲ - تغییراتی که در سینمای ایران ، پس از انقلاب انجام شد در چه سالی و چه تغییراتی بود؟
۱. در سال ۱۳۶۰ بود و ضوابطی نظیر پرداختن حداکثری به وقایع انقلاب ، تدوین شد
 ۲. در سال ۱۳۶۲ بود و ضوابطی نظیر اولویت در تولید فیلم‌های اجتماعی عاری از سکس تدوین شد
 ۳. در سال ۱۳۶۲ بود و ضوابطی مبنی بر خروج عناصری مانند خشونت و سکس ، تدوین شد

- ۳ - دلیل تغییر فیلم‌های غربی در دهه معاصر چیست؟
۱. تغییر تعالیم کلیسا
 ۲. تغییر تعریف غرب از انسان مطلوب خود
 ۳. تغییر حکومت‌ها و فرهنگ‌ها در کشورهای جهان سوم

- ۴ - بزرگ‌ترین آسیب سینمای ایران.....است.
۱. تقلیدگرایی
 ۲. عوام زدگی
 ۳. غرب گرایی

- ۵ - یکی از کارهایی که باعث تاثیرگذاری فیلم‌ها در جامعه می‌شود؟
۱. دوری از پرداختن مباحث ناراحت کننده اجتماع
 ۲. فیلمسازی در مورد مباحث خانوادگی
 ۳. فیلمسازی درباره پدیده‌ها و مباحث اجتماعی

۶ - موسیقی، در گذشته جزء.....بوده و اکنون جزء..... شده است.

۱. هنر - ریاضیات

۲. فنون - هنر

۳. ریاضیات - هنر

۷ - اساسی ترین تغییرات موسیقی در روند جایگزینی مدرن به جای کلاسیک چه بود؟

۱. تغییر در دستگاه‌ها و سازها

۲. تغییر در سازها و اشعار

۳. تغییر در دستگاه‌ها و مخاطبین

۸ - اشتراک نظر فقها و فلاسفه اسلامی راجع به حلت موسیقی در چیست؟

۱. رعایت اعتدال و فرهنگ اسلامی

۲. رعایت اعتدال

۳. رعایت اعتدال و عدم تسلط شهوت و غضب بر عقل

۹ - حکومت یزید برای خنثی کردن پیامدهای نهضت کربلا به دو اقدام دست زد؟ آن دو را به ترتیب نام ببرید؟

۱. رواج موسیقی غنایی در جامعه - تحریف تاریخ و وقایع عاشورا

۲. برپایی خطبه بر علیه اهل بیت علیهم السلام - رواج موسیقی غنایی در جامعه

۳. رواج موسیقی غنایی در جامعه - محدود نمودن اهل بیت علیهم السلام